

تحلیلی بر تنش‌های قومی در ایران

دکتر نصرالله پورافکاری*

چکیده

امروزه دو سوم جمعیت جهان از عقب‌ماندگی و فقر در رنج و عذاب‌اند و یا در شرایط فقر مطلق به سر می‌برند، مبادلات ناهمگون اقتصادی و سیاسی ثروتمند را غنی‌تر و فقیر را فقیرتر می‌سازد. عدم تقسیم عادلانه ثروت نیز شکاف موجود میان طبقات را تشدید می‌نماید. در این میان کشورهای جهان سوم نیز در این منجلاب بیشتر گرفتار آمده‌اند. فشارهای اقتصادی و تهاجم فرهنگی، به مثابه عاملی بازدارنده در توسعه عمل نموده و روند تغییرات را کندتر کرده است. طبیعی است که توسعه باید ابتدا در ذهن انسانها شکل گیرد و زمینه آگاهیهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را برای انسانها فراهم سازد، لذا به نظر می‌رسد رابطه عمیقی بین توسعه نیافتگی و تنش‌های قومی موجود، برقرار است که با توجه به فرهنگ سنتی و آرمانهای مردم و همچنین تغییرات مداوم اوضاع جهانی، لازم است مسأله عمیقاً مورد بررسی قرار گیرد.

کشور ما نیز به شدت به این آگاهیها نیازمند است، تا بتواند با بهره‌گیری از ارزشهای صحیح و مطلوب‌سازی آنها، راههای بهبودبخشی به زندگی و معیشت انسانها را ممکن سازد. در این تحقیق کوشش شده است ضمن شناخت مسأله، فرهنگ منطقه‌ای و رابطه آن با توسعه و یا توسعه نیافتگی مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار گیرد. بدین منظور، منطقه

لرستان و چهار محال و بختیاری با توجه به ویژگیهای خاص به عنوان نمونه انتخاب گردیده‌اند. ویژگیهای فرهنگ لری از یک طرف و توسعه نیافتگی از طرف دیگر، همچنین تأثیر آنها بر یکدیگر، شالوده این بحث را تشکیل داده است. برای تکمیل بحث از اطلاعات آماری موجود همزمان ایلام، لرستان و چهارمحال و بختیاری برای مقایسه تطبیقی استفاده شده و ضمن تجزیه و تحلیل روابط آنها پیشنهادهایی ارائه گردیده است.

واژه‌های کلیدی

قوم، تنش، نزاع، ایلات و عشایر

مقدمه

اوجگیری و شدت درگیریهای سالهای اخیر در میان اقوام بویژه عشایر و بسیاری از روستاها، که در مسیر بیلاق و قشلاق ایلات منطقه لرستان و چهارمحال و بختیاری قرار دارند، نگرانیهای خاصی را در میان ساکنان مناطق به وجود آورده و مسأله را قابل تأمل نموده است. آثار تخریبی این برخوردها بر پهنه وسیعی از منطقه سایه افکنده که روزبه‌روز بر میزان آن افزوده می‌شود. تلاشهای مسئولان، هشدارهای دستگاههای قضایی، حتی نفرت و انزجار مردم از این رفتارها، متأسفانه بی‌اثر بوده و احیای یک سنت قدیمی در قالب چارچوبی دیگر، بار دیگر هموار می‌گردد.

در گذشته بیشتر برخوردها، در میان حاکمیت‌های محلی و طایفه‌ای به وجود می‌آمد، لکن امروزه در قالب انتقامجویی‌های فردی، با یاری و پشتوانه طایفه‌ای حاصل می‌شود و روند به گونه‌ای است که بر اثر مهاجرت طوایف و ایلات بیم شیوع و سرایت آن به شهرها نیز احساس می‌گردد. بنابراین، این مسائل اجتماعی که می‌تواند یکی از بزرگترین مسائل اجتماعی کشور تلقی گردد، در این مقاله مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

بیان مسأله

ایران کشوری چند قومی است و تاریخ سیاسی آن در مقاطع مختلف، با نقش فعال قبایل گره خورده است. در واقع تحلیل تاریخ مملکت ما بدون تحلیل حضور آنان در جنگها و سایر رویدادهای مملکتی مقدور نیست. نقش آنها گاهی مثبت است و گاهی منفی. صرف نظر از این نقشها، گاهی درون این گروهها و همچنین در روستاهای همگن

برخوردهایی شکل می‌گیرد که آثار تخریبی آن، امنیت و آسایش مردم را، به سبب قتلها و کشتارهای بی‌امان، سلب می‌نماید و این یکی از مشکلات مملکت ماست.

به هر حال هنوز در گوشه و کنار کشورمان، بعد از گذشت این همه دگرگونیهای اجتماعی و تغییرات فرهنگی، آثار ناگوار پدیده‌ای به نام نزاعهای جمعی محلی مشاهده می‌شود. هنوز خشونت در فرهنگ جمعی بعضی از هموطنان، شاخص قدرت و یا دفاع از منزلت اجتماعی و فرهنگی و حیثیت خانوادگی است. سالهای سال است که ساکنان بعضی از روستاها به علت غرورهای بی‌دلیل و بی‌منطقی که در فرهنگ آنان از گذشته‌های دور شکل گرفته، آسودگی و امنیت اجتماعی را احساس نکرده‌اند. این نزاعهای جمعی، که با رویارویی پرخاشگرانه و ستیزه‌جویانه و توأم با خشم، کینه و انتقام صورت می‌گیرد، سبب ضرب و شتم و مجروح و معلول شدن طرفین درگیر شده و خسارت مالی فراوانی نیز به بار آورده است.

اکنون این پرسش مطرح می‌گردد که ریشه‌ها و علل بنیادی این‌گونه نزاعها را بویژه در لرستان، ایلام و لرندگان در کجا باید جست‌وجو کرد؟ در ساختار اجتماعی و اقتصادی این مناطق؟! در فرهنگ آنها؟ در محیط طبیعی و حالات روانی مردم منطقه؟ کدام یک؟ گرچه این مسأله در حال حاضر پذیرفتنی نیست، اما آثار تخریبی آن هنوز به وضوح ملاحظه می‌گردد. آثار این پدیده شوم در بسیاری از نقاط ایران دیده می‌شود، مسأله‌ای که اندیشمندان را به تأمل واداشته است.

ضرورت تحقیق

این تحقیق از ضرورت و اولویت خاصی برخوردار است، زیرا:

- ۱- نتایج آن، ضمن آنکه بر آگاهی مردم می‌افزاید، می‌تواند سبب اعتلای فکری مناطق مزبور گردد و به تغییر این رفتار نامطلوب بینجامد.
- ۲- نتیجه تحقیق می‌تواند به برنامه‌ریزی‌های دولتی کمک کند و همگان از نتایج آن بهره‌مند شوند.

بنابراین بجز ضرورت باید به مفهوم کلیدی بودن مسأله نیز توجه نمود، که در این مورد می‌توان از تغییر نیروهای مخرب اجتماعی به گرایشهای مطلوب و همسو گفت‌وگو به‌میان آورد.

روش تحقیق

این تحقیق به صورت میدانی، با اتکا به اسناد و مدارک انجام گرفته، و آمارهای مربوط به آن از سازمانهای ذی ربط اخذ و با تحلیل جامعه‌شناختی تبیین و تفسیر گردیده است. مراجعه مستقیم، مشاهده پدیده و تهیه اسناد از شیوه‌هایی است که از آنها استفاده شده است. انتخاب مکان نیز اتفاقی نبوده، بلکه با مطالعات اولیه، و با توجه به میزان وقوع صورت گرفته و سه منطقه کوه‌دشت لرستان، لرستان چهارمحال و بختیاری و ایلام که در کانون این برخوردها قرار دارند، انتخاب گردیده‌اند. نقشه شماره ۱ موقعیت جغرافیایی این مناطق را به خوبی نشان می‌دهد. این مکانها اکثراً در فاصله‌ای دور از مراکز شهرهای بزرگ قرار دارند. داده‌های آماری مستند بوده و از طریق بررسی تمامی پرونده‌های مربوط به قتل و نزاع در سالهای اخیر فراهم آمده است. حضور در جریان اتفاقها و تهیه اسلاید، تصاویر و مصاحبه با خانواده‌های متخاصم و مردم ما را در جوابگویی به پرسش‌ها آغازین کمک کرده است.

پیشینه تحقیق

اختلافات قومی به علت آنکه در نهایت به جنگ بین انسانها منجر می‌شود، اغلب جامعه‌شناسان را به تأمل واداشته که اکثراً آنرا در مقوله جنگ بررسی کرده‌اند و در این زمینه منابع فراوانی وجود دارد. لکن هدف ما مطالعه جنگ نیست، بلکه مطالعه برخوردها و تنش‌هایی است که به صورت مقطعی، در مکانهای خاصی روی می‌دهد، و ریشه فرهنگی در بسیاری از آنها غالب است.

مطالعات جهانی در مورد قباایل اکثراً جنبه سیاسی دارد، قبایلی که علاقه‌مند هستند علایق خود را با اعمال سیاسی، جنگ و خونریزی به ثبت برسانند. در موضوع مورد نظر ما چنین نیست. مطالعه تنش‌های درونی قومی کشور مطرح است که با نوع نظام سیاسی و حکومت نیز ارتباط چندانی ندارد، و در حقیقت به فرهنگ درونی اقوام مربوط برمی‌گردد. در اینجا هدف نگارنده نیز همین است که به چند منبع مهم آن اشاره می‌شود:

۱- اصولاً اکثر کسانی که در مورد ایلات و عشایر مطالعاتی داشته‌اند، در این زمینه اشاراتشان به صورت غارت و جنگ آمده است. نظیر مطالعات صفی‌نژاد، در زمینه جنگها و حملات عشایر با یکدیگر. این مطالعات ارزنده اکثراً تاریخی-جغرافیایی بوده و به گونه‌ای عمیق به مسائل فرهنگی پرداخته نشده است. (۶)

۲- تحقیقات دکتر عبداللهی و دکتر چلبی در مورد اختلافات قومی در ایلام در سال ۷۲-۷۱ که از دیدگاه جامعه شناختی به مسأله نگریسته شده است، به علت داشتن روش علمی و تبیین مسأله درخور تحسین است. (این تحقیق چاپ نشده، برای رؤیت تلخیص، روزنامه اطلاعات، ش ۲۱۱۳۳)

۳- تحقیقات و گزارشهای استانداری ایلام در ۶ جلد، که آمارهای لازم از طریق دادسراهای منطقه جمع آوری و سپس مورد تحلیل قرار گرفته است. این گزارش خالی از پایه‌های علمی نیست، لکن به علت گستردگی موضوع، نظر خواننده را می‌تواند به مسائل دیگری نیز معطوف سازد.

۴- تاریخ و جغرافیای لرستان، از علی محمد ساکی. در بخشی از این کتاب، مسأله مورد بحث قرار گرفته است، و بویژه رابطه خشونت و محیط جغرافیایی به صورت مطلوبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. (۴)

۵- تحقیقات مجتهدزاده با عنوان «اختلافات قومی و نقش آن در سیاستهای ملی» که متن کامل آن در شماره‌های ۱۱۲ و ۱۱۳ مجله اطلاعات اقتصادی-سیاسی آمده است.

۶- مقاله با ارزش «برخوردهای اقوام در آسیای میانه» از مراد ثقفی که در شماره ۱۵ گفت‌وگو به چاپ رسیده است.

۷- پایان‌نامه‌ها: «نگرشی بر نزاعهای جمعی در استان چهارمحال و بختیاری» که با هماهنگی استانداری شهرکرد تهیه و به صورت پلی‌کپی تکثیر شده است و همچنین «تحلیلی بر درگیریهای محلی در کوه‌دشت لرستان» (۹ / ص ۸۶) و «بررسی وضعیت اقتصادی-اجتماعی شهرستان خرم‌آباد». (۱).

تحقیقات دیگری به صورت پراکنده انجام گرفته است که از همه آنها حداقل از نظر ذهنی استفاده شده است، لکن آنچه ما به دنبال آن هستیم، ابعاد فرهنگی مسأله در منطقه مورد مطالعه است.

چهارچوب نظری

برای تبیین مسأله به نظریه‌هایی نیاز مبرم هست تا بتوان به کمک آنها، ابعاد مختلف موضوع را مورد بررسی قرار داد. این نظریات می‌تواند از نظر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، حقوقی و غیره مورد بحث قرار گیرد. این نظریه‌ها دو وجه دارند:

۱- نظریاتی که جنبه فردی داشته و در نهایت بدین مسأله پاسخ خواهد داد که چرا رفتارهای پرخاشگرانه در افراد به وجود می‌آید.

۲- نظریه‌هایی که ریشه پرخاشگری را در رفتارهای جنبی انسانها جست‌وجو می‌کنند. در هر دو حالت نظریات زیادی مطرح گردیده است که تعدادی از آنها پشتوانه علمی ندارد و از مطرح کردن آنها خودداری شده است. لکن نظریه‌های دیگری که تقسیم‌بندی فوق را نیز از ابعاد مختلف در بر می‌گیرد، عنوان شده است که به اهم آنها اشاره می‌شود:

۱- نظریه‌هایی که روان‌شناسان و روان‌پزشکان بدان پرداخته‌اند، مانند فروید و بیروان او، که تقابلها را نتیجه برخورد دو نیروی اروس^۱ و تاناتوس^۲ می‌دانند که این دو پیوسته در مقابل هم قرار گرفته‌اند و حاصل آن به صورت پرخاشگری پدید می‌آید.

۲- نظریه‌های مربوط به نفوذ اجتماعی، که خواهان تحمیل خواسته‌های خود بر دیگران از طریق پرخاشگری است.

۳- نظریه یادگیری اجتماعی، که پرخاشگری را فرایندی از یادگیری اجتماعی می‌داند، یعنی پرخاشگری نوعی رفتار اجتماعی آموخته شده تلقی می‌گردد؛ رفتاری که همانند سایر فعالیتها و رفتارهای دیگر کسب شده و حفظ می‌گردد. باندورا^۳ می‌گوید: انسانها بدان جهت نسبت به یکدیگر خشونت می‌ورزند و حمله می‌کنند که مبتنی بر تجربیات گذشته، واکنش پرخاشگری را آموخته‌اند. با توجه به این نگرش انسان محصول فرایند اجزای محیط فرهنگی خود می‌گردد، و اگر روان‌شناسان قواعد و اصول یادگیری را آموزش می‌دهند، مردم‌شناسان اجتماعی نیز شرایط یادگیری را مشخص می‌نمایند، و یادگیریهای انسان مرهون محیطی می‌گردد که در آن زندگی می‌کنند.

در یادگیری اجتماعی، عوامل انگیزه، پاسخ و پاداش در مراحل تکامل یافته‌تری قرار می‌گیرد و محیط اجتماعی انسان را وادار به یادگیری می‌نماید و بدین ترتیب فرهنگ جامعه‌ای که انسان عضو آن است، در سلوک و رفتار و یادگیری او اثر می‌گذارد، و انسان آنچه را که در زندگی اجتماعی یاد گرفته و پذیرفته، تکرار می‌کند و از آن بهره‌مند می‌گردد.

۴- نظریه برجسب، که در آن جامعه با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی، بر اعمال افراد برجسب می‌زند.

۵- نظریه‌های محیط جغرافیایی و زیست‌شناسان، که به دنبال تبیین ارتباط میان خشونت و محیط جغرافیایی و همچنین عوامل زیستی هستند.

۶- نظریه ناکامی که شرایط گوناگونی در ظهور آن مؤثر بوده است. در حالات عدم کسب موفقیت، در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناکامی به وجود آمده، به صورت خشونت تجلی پیدا می‌کند.

هدف ما پیدا کردن نظریه یا نظریاتی است که با شرایط عینی و ذهنی جوامع مورد نظر ما همگن باشد. بدان جهت از میان نظریه‌های فوق، نظریه یادگیری اجتماعی و ناکامی عمیقاً می‌تواند در روند خواسته‌های تحقیق قرار گیرد، لکن نظریه‌ای جامع‌تر از آنها که در ابتدا مطرح گردید و می‌تواند ابعاد مختلفی از این نظریات را در بطن خود داشته باشد، نظریه مرتون است، که «ساخت اجتماعی» را عامل مهمی در ایجاد این انحرافات می‌داند. وی معتقد است که علت انحرافات اجتماعی، در ناهماهنگی اجتماعی نهفته است، بدین معنا که هرگاه در جامعه‌ای بین اهداف و وسایل نهادی شده وحدت و هماهنگی نباشد، انسجام و وحدت اجتماعی از بین خواهد رفت و چهار نوع رفتار انحرافی بروز خواهد کرد که عبارت‌اند از:

- ۱- ابداع و نوآوری؛
- ۲- مناسک‌پرستی و مراسم‌گرایی؛
- ۳- انزوا و واخوردگی؛
- ۴- طغیان و سرکشی.

نوع اول آن یعنی نوآوری و ابداع بیشتر می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، یعنی وقتی در محیط اجتماعی، افراد و گروه‌ها، نمی‌توانند از راه‌های مطلوب و نهادی شده و مورد قبول جامعه به اهداف خود دسترسی پیدا کنند، لاجرم دست به ابتکار و نوآوری زده و از راه‌هایی مخالف موازین پذیرفته شده اجتماعی وارد می‌شوند و طبیعتاً کوتاهترین راه را نیز انتخاب می‌کنند.

دیگر انواع رفتار انحرافی نیز، دقیقاً در مورد موضوع بررسی مصداق پیدا می‌کند. و بدان جهت نظریه مرتون و همچنین باندورا که به طور عمده به ابداع و نوآوری مربوط می‌شود، به عنوان چهارچوب نظری تحقیق انتخاب و جهت تکمیل آن از نظریه‌های ناکامی و یادگیری استفاده شده است.

در مطالعات فرهنگی معمولاً از دو روش استفاده می‌شود:

- ۱- از طریق مطالعه ساختار جامعه که در این نوشته نظریات مرتون با آن تطابق دارد.
- ۲- مطالعه از طریق کارکردهای اجتماعی که در این مورد نظریه‌های یادگیری و فرهنگی باندورا مناسبتر به نظر می‌آید.

مکان و جامعه آماری

مکان قسمتی از استان لرستان است به نام کوه‌دشت، که حدود ۹۰ کیلومتر با مرکز استان فاصله دارد. با جمعیتی معادل ۱۵۰۰۰۰ نفر که عموماً کشاورز و دامدار هستند و همچنین استان ایلام و چهارمحال و بختیاری که نقطه حساس آن، روستاهای سردشت و اطراف آن است، با جمعیتی حدود ۱۶۰۰۰ نفر در جنوب شهر لردگان، که در وضع مشابهی به سر می‌برند.

تعدادی از ساکنان سه منطقه که به صورت تصادفی انتخاب شدند، مورد مصاحبه قرار گرفتند تا مشاهدات خود را در زمینه موضوعی که خود نیز در جریان آن بوده‌اند عنوان نمایند، که از همه مصاحبه‌ها در تأیید و یا رد آمارهای پرونده‌های موجود، استفاده شده است.

تحلیلی در انگیزه‌ها و علل درگیریها

ریشه و بستر اولیه نزاعهای جمعی را در این مناطق باید در تاریخ گذشته این جوامع مطالعه نمود، چراکه عوامل مختلفی در شکل‌گیری و تداوم آن مؤثر بوده‌اند، که به آنها اشاره می‌شود:

آثار محیط طبیعی

لرستان، از کوههای بلند و سرسبزی برخوردار است. ارتفاع و ستیغ کوهها در گذشته جدایی فرهنگ مناطق را فراهم آورده است و از طرفی هر طایفه‌ای قسمتی از این مناطق را برای گذران زندگی در اختیار داشته است. اما بعد از گذشت سالها ازدیاد دام و همچنین نیاز به زمین زراعی، مشکلاتی را میان طوایف به وجود آورده است. البته مسائل طبیعی جدا از مسائل اجتماعی نیستند و خود از جمله سببهای ایجاد دشواریها به‌شمار

می آیند که گاهی سبب تشدید و زمانی باعث تضعیف مسأله می شوند. مسأله دیگری، که از دیدگاه طبیعی می توان مطرح کرد، این است که ساکنان این مناطق، از ابتدا در این کوهستانها بزرگ شده و یا با آن ارتباط داشته اند و بدان جهت انسانهایی سختکوش، جسور و تا حدی ماجراجو هستند. از سوی دیگر، ساکنان دشتها را آرام توصیف کرده اند (۴). در مجموع می توان چنین استدلال کرد که ساکنان این کوهستانها و مناطق، اگرچه از ویژگیهایی برخوردارند که می تواند زمینه ساز اختلافات و به زبان ساده تر سبب ایجاد غرورهای نامطلوبی گردد، لکن هرگز نقش تعیین کننده ای نداشته است.

ریشه های اجتماعی

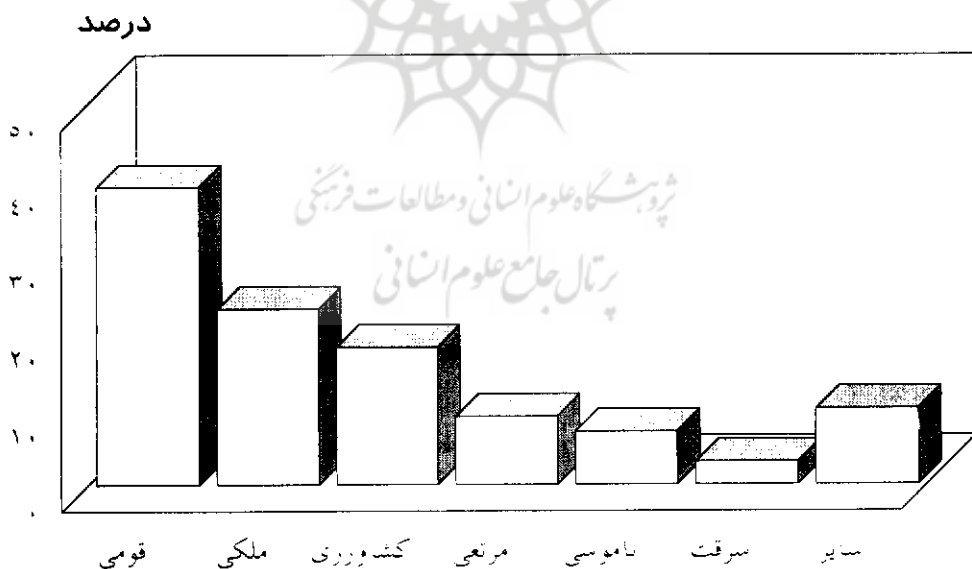
ساکنان این مناطق از نظر اجتماعی، در یک فضای بسته و در یک انزوای اجتماعی ویژه ای به سر می برند و از ارتباطات انسانی کمتری برخوردارند، و به همین سبب عموماً از سخنان یکدیگر متأثر می شوند و تحت تأثیر افکار دیگران قرار می گیرند و این، زمینه مساعدی را برای برخوردهای اجتماعی به وجود می آورد. مردم این نواحی همگی مسلمان هستند و از اعتقادات مذهبی برخوردارند، ولی علی رغم دین باوری خاص، در مقابل برخوردها، ارزشهای اجتماعی و فرهنگ دینی کم رنگ تر می گردد و خشونت های نامطلوبی جای آن را می گیرد.

از دیگر ویژگیهای این منطقه مخالف خوانی عده ای با اکثر مسائل موجود در منطقه است. به علت اینکه قشرهای موجود از فواصل اجتماعی قابل ملاحظه ای برخوردارند، سریعتر تحت تأثیر همدیگر قرار می گیرند، که نتیجه آن همان نزاعهای غیر منطقی است. احساس برتری طلبی، پرنبودن ایام فراغت، دخالت های رؤسای سابق محلی و همچنین دیر رسیدن و یا تأخیرهای طولانی قوای دولتی به هنگام بروز اختلاف، و خلأ قدرت، از جمله مسائلی است که زمینه ساز زیانهای جبران ناپذیر اختلافات قومی و محلی است.

توجه به توزیع علل منازعات استان چهارمحال و بختیاری، از سال ۴۷ تا اواخر سال ۷۱، نشان می دهد که ۳۹ درصد کشمکشها مربوط به برخوردها و اختلافات قومی است و کمترین میزان آن سرقت است که ۱/۹ درصد از نزاعها را در بر گرفته است. به جدول زیر توجه نمایید: (۴/ص ۵۵)

جدول شماره ۱: توزیع نزاعهای جمعی در استان چهارمحال و بختیاری
بین سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۷۱

درصد	فراوانی	علل	
۳۸/۹	۶۲	اختلافات قومی	۱-
۲۲/۶	۳۶	اختلافات ملکی	۲-
۱۵/۷	۲۵	کشاورزی	۳-
۶/۳	۱۰	مسائل مرتعی	۴-
۴/۴	۷	مسائل ناموسی	۵-
۱/۹	۳	سرقت	۶-
۱۰	۱۶	سایر موارد نامشخص	۷-
۱۰۰	۱۵۹	جمع	



نمودار شماره ۱: نزاعهای جمعی استان چهارمحال و بختیاری بر حسب علت
۱۳۴۷ تا شش ماهه دوم ۱۳۷۱

در تحقیقاتی که در ایلام در سال ۷۳ انجام گرفته، ۵۰ درصد اختلافات منطقه مربوط به اختلافات طایفه‌ای و قومی بوده است. در دیگر مکانها نیز شبیه این عوامل به نسبتهای کم و زیاد وجود دارد. (۱)

عمدتاً درگیریهای چهارمحال در بهار و تابستان صورت گرفته است، که ابتدای شروع کوچ و اواخر مراجعت آنان بوده است و به‌طور کلی در این منطقه ۳۶/۵ درصد اختلافات آنها در تابستان، ۷۲/۳ درصد آنها در بهار، ۱۳/۲ درصد آن در پاییز و ۱۴/۵ درصد نیز در زمستان به‌وقوع پیوسته است.

از آمارهای موجود برمی‌آید که ۷۶/۱ درصد منازعات با سلاح سرد صورت گرفته و در ۲۳/۹ درصد آنها، از اسلحه گرم استفاده شده است که حدود ۱۹/۷ درصد آنها به قتل منجر شده است.

نسبت تعداد منازعات در لردگان، در مجموع ۴۷/۱ درصد و در فارسان ۲۷/۷ درصد و در شهرکرد ۱۷ درصد و در بروجن ۸/۲ درصد بوده است. (۵ / ص ۶۳-۵۸)

طرفین درگیری معمولاً بعد از برخوردها به کوهستانها پناه می‌برند و گاهی با مأموران دولتی درگیر می‌شوند و سرانجام نیز با وساطت ریش‌سفیدان مسأله فیصله پیدا می‌کند. گاهی نیز منازعه بسیار پردامنه می‌شود و به تعیین خونبها می‌انجامد و قانون خون‌بس باید حاکم گردد.

مقدار خونبها در سالهای اخیر حدود ۳ الی ۶ میلیون تومان بوده که اکثراً به کمک طایفه جمع‌آوری و پرداخت می‌گردد. (این اعداد نسبت به پایگاه اجتماعی افراد فرق می‌کند و معمولاً هر سال بر مقدار آن افزوده می‌شود.) و در مواردی نیز منازعات طولانی و کشدار می‌گردد، زیرا قتلها در این مناطق فردی نیست، بلکه به صورت جمعی صورت می‌گیرد و به جای شخص، طایفه عنوان می‌گردد و بدان جهت صدور حکم به طول می‌انجامد که خود سبب جدالهای دیگر می‌شود.

در لرستان نیز، در سه ناحیه ازنا، اشترینان و خرم‌آباد در سال ۷۱، میانگین تعداد افراد درگیر در نزاعهای جمعی برای کل استان ۲۶۱ نفر و برای جوامع شهری، روستایی

۱- رسم خون‌بس، هین‌چو Hincu نام دارد، «هین» یعنی خون و «چو» یعنی چوب و بدین معناست که خون آنان حتی در چوب رفته و محو شده است.

و عشایری به ترتیب ۱۵۳، ۱۳۷ و ۴۷۸ نفر بوده است. حدود یک سوم نزاعهای جمعی در لرستان برای مدت چند روز و یک پنجم آنها برای مدت چند ماه و یک پنجم دیگر برای مدت چند سال به طول می‌انجامد. (۳)

ابعاد فرهنگی

تفاوت‌های فرهنگی در منطقه نیز راه را برای ابراز خشونت هموار ساخته است. عدم آشنایی مردم به قوانین اسلامی، در ارتکاب و ابراز خشونت مؤثر بوده است. اکثر مردم مسلمان‌اند و پایبند اصول اخلاقی، لکن از قبح انجام این‌گونه اعمال بی‌خبر مانده‌اند. نگاهی به میزان بی‌سوادی در کوهدشت و یالردگان، نشان می‌دهد که بی‌سوادی در این دو منطقه نسبت به مکانهای مشابه در سطح بالاتری است.

در سال ۶۹ میزان بی‌سوادی در لرستان و ایلام و لردگان بیش از ۸۰ درصد بوده است. مردم این مناطق اکثراً به عرفهای گذشته پایبند هستند و مظاهر تمدن و قوانین جدید، در رفتار و کردار آنان چندان مؤثر نبوده است و هنوز پایبند اکثر رفتارهای سنتی بوده و تغییر ارزشهای اجتماعی در آنان کمتر مشهود است. در این مورد باید به زمینه‌های ذهنی و اندیشه قومی و قبیله‌ای آنان توجه نمود که عرفهای رایج را هنوز در طی سالیان دراز، پایدار نگه داشته‌اند و تغییرات فرهنگی موجود، هنوز از شدت و حدت عمل به عرف نکاسته است.

یکی دیگر از ویژگیهای فرهنگی کوهدشت علاقه به کسب قدرت فردی و جمعی از جمله شجاعت، حمیت قبیله‌ای و تعصب در حرمت‌گذاری آنهاست.

همچنین فرهنگ جنگ، به شکل علاقه به اسلحه و مهارت فوق‌العاده، حضور افراد جنگی در محافل و مجالس شادی و عزا، با اشعار و ترانه‌های حماسی خود، علاقه به اسطوره‌های پهلوانی و حتی جنگهای تاریخی در کوهدشت، ارزشهای مهمی بوده‌اند. شجاعت و شهامت، تواناییهای بدنی، سازگاری با سختیها و تن‌ندادن به زور، از دست ندادن اموال و افزودن آن از هر طریق ممکن، به‌خصوص چپاول و غارت، همه و همه در به‌وجود آوردن نزاعهای محلی سهم عمده‌ای را دارا بوده‌اند.

نقش زنان نیز در تحریک و تحریص به نزاع کمتر نبوده و اغلب با چنگ زدن به صورت، داد و فریاد و سنگ انداختن موجب تشدید برخوردها می‌گردند و از این جهت

مردان نیز در مورد زنان از خود حساسیت نشان می دهند. بنابراین بخشی از این نزاعها با این موضوع ارتباط دارد. (۹ / ص ۹۲)

زمینه های اقتصادی

زندگی اکثر مردم این مناطق بر پایه کشاورزی و دامداری استوار است، که از سطح بهره‌وری کمتری هم برخوردار است. به علت نداشتن امنیت شغلی، کوششی جهت بهبود کشاورزی و دامداری به عمل نمی آید که نتیجه آن فقری است که بر منطقه حاکم شده و نابرابریهای اجتماعی را دو چندان کرده و بر میزان آن افزوده است.

حدود مراتع اکثراً مورد اختلاف بوده و در حال نابودی است، که در ترمیم آن هیچ‌گونه کوششی نیز مشاهده نمی شود. زمین پراختلاف است و آنچه در این مناطق بدان تفأخر می نمایند، وجود درختان گردویی است که تا اندازه‌ای در منطقه وجود دارد و یا پس داسی که می تواند مفید باشد، لکن همین موضوع نیز موجب و سبب مشکلاتی است.

مقدار زمینهای زیر کشت این مناطق کافی به نظر می رسد و اغلب محصول آن گندم است و می توان چنین عنوان کرد که نحوه کشت و میزان محصول آن چندان تغییری نکرده و صنایع مربوط به آنها نیز پیشرفت مطلوبی نداشته است. شغل اکثر مردم کشاورزی و دامداری است، و معاملات هنوز به صورت بده بستانی در حوزه های طایفه ای و قومی صورت می گیرد. مالکیتها همیشه سبب اختلاف آنان بوده، و ضعف توان مالی مردم نیز به این اختلافها دامن زده است. مهمتر اینکه وقتی برخوردهای فردی به جمعی تبدیل می شود، از بین بردن محصولات همدیگر، آتش زدن مزارع و منازل و دیگر خسارات، از نتایج احتمالی آن است.

ابعاد روانی

در جوامع گذشته عصبیت، پیوسته عامل تداوم زندگی گروهی بوده است. در این مناطق نیز نوعی عصبیت که به تقویت غرور قومی آنان می انجامد تجلی می نماید. و در حقیقت می توان گفت به طور کلی دو عامل اصلی که از دل آنان سرچشمه گرفته و همواره آنان را به مثابه سایه ای تعقیب می نماید، غرور قومی و کینه ورزی مردم نسبت به مسائل خاص

- قوم‌مداری
سنت‌پرستی
نظام خویشاوندی، ازدواج و طلاق
بی‌سواد
عدم آشنایی به قوانین اسلامی
پایبندی به اصول و عرف قدیم
عدم تغییرات ارزشهای اجتماعی
نقش زنان
بیگانه‌گزینی
پدرسالاری
- ۱- فرهنگی
- فقر و نداشتن درآمد کافی
تغییرناپذیری شیوه کشت
مالکیت
معاملات
عدم امنیت شغلی
تحت تأثیر دیگران قرار گرفتن
انزوای اجتماعی
ویژگیهای اجتماعی
تضادهای طبقاتی
مخالف‌خوانی
پر نبودن ایام فراغت
نبود تغییرات طبقاتی
تفوق‌طلبی
جمعیت و فرهنگ ایلی
دخالت رؤسای سابق
دیر رسیدن قوای دولتی
ناامنی
غرور قومی
- ۲- اقتصادی
- ۳- اجتماعی
- ۴- روانی
- ۵- سیاسی
- ۶- محیط طبیعی
- از مرتع به علت اختلاف
از زمین به علت اختلاف
از درختان گردو
نبود چرای پس داس
- تجلی نمودن آرمانها در انتخابات)
وجود سلسله کوههای بلند در منطقه

است. اینان بی توجه به شاخصهای اصلی پایگاههای اجتماعی جامعه، خود را با تصورات ذهنی، برتر دانسته و طایفه خود را مهمتر از دیگر طوایف می پندارند. و در این مورد، اگر غرور آنان آسیب پذیرد، سالهای سال کینه دیگران را در دل خود می پروراند، تا با به خون نشانیدن و انتقام آن را فرو نشانند. بنابراین، از دیدگاه روانی، این ویژگیها در ذهن آنان عمیقاً نفوذ کرده و در قالب یک فرهنگ ویژه درآمده و آنها را از دیگران متمایز کرده است.

عوامل سیاسی

این مردم علی رغم آنکه نمی توانند از سیاستهای روز بهره برداری کنند، خود را به هر شکلی که ممکن گردد در دامن سیاست قرار می دهند. البته نه به دلیل آنکه از نظر سیاسی در رویدادی شرکت یا دخالت کرده باشند، بلکه بدان جهت که فرضاً نماینده منطقه از طایفه آنها باشد، تا در مواقع ضروری از وی استعانت و یاری جویند و این موضوع یکی از ابعاد اختلاف قومی این مردم است. تحریکهای سیاسی در منطقه مشهود است و گاهی خواسته ها و آرمانهای آنان در انتخابات به صورت خشن تری تجلی پیدا می کند.

در تحلیل نهایی می توان اظهار داشت که متغیرهای اصلی بسیاری بر متغیر وابسته مؤثر واقع می گردند، و بسیاری از آنها علی رغم آنکه مقدار عددی شان اندک بوده و از نظر آماری قابل ملاحظه نمی باشند، لکن وقتی در مدل های علی قرار می گیرند، اکثراً اثر خود را آشکار می نمایند. اگرچه جهد شده است متغیرهای مزاحم حذف گردند. تحریکات خانهای سابق، تضادهای موجود سیاسی، انتخابات شوراهای محلی و تعاونی ها، سرقت و دزدی و از همه مهمتر مسائل ناموسی از جمله مسائلی هستند که زمینه ساز این نزاعها به شمار می روند.

از مدل های فوق چنین استنباط می گردد که تنش ها و نزاعهای اجتماعی از ابعاد گسترده ای برخوردار است، لکن ابعاد فرهنگی و اجتماعی مسأله که برگرفته از نظرات یادگیری اجتماعی باندورا و همچنین نظریه ساختی مرثن است، دقیقاً ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی موضوع را در بر می گیرد. در حقیقت می توان گفت که مدل مطابق نظریه های مبنا شکل گرفته است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

متأسفانه، میزان این برخوردها سیر صعودی داشته و هر سال بر تعداد آنها اضافه می‌گردد و بجز آثار تخریبی جانی نتایج ناگوار اقتصادی و اجتماعی آن نیز تشدید می‌گردد. بنابراین در مقابل واقعیت انکارناپذیری قرار گرفته‌ایم که گوشه‌ای از جامعه ما از آن رنج می‌برد. از مطالعه طبقات اجتماعی چنین برمی‌آید که اکثراً این مسائل در میان خانواده‌هایی که از درآمد کمتری برخوردار بوده و از فرهنگ سنتی پیروی می‌نمایند، اتفاق می‌افتد.

ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی محیط طبیعی ساکنان مناطق کوهدشت و لردگان در این زمینه مؤثر بوده است. بی‌سوادی، عدم آشنایی به قوانین اسلامی، حفظ سنتهای قبیله‌ای، ضعف مالی مردم و غرورهای بیجای قومی، همگی مسائلی هستند که در به وجود آوردن این مشکل اجتماعی سبب‌ساز بوده‌اند. جهت تعدیل این رفتارهای سرسختانه و همچنین رهیابی به زمینه‌های متعادل‌سازی این رفتارها، به پیشنهادهایی چند اشاره می‌شود:

۱- زندگی مردم بر محور کشاورزی و دامداری است، ولی در توسعه آن کوششی به عمل نمی‌آید، زیرا منطقه امنیت شغلی برای اهالی ندارد، و کوشش آنها منحصرأ بر حفظ و نگهداری منافع قبیله است؛ لذا پیشنهاد می‌شود قبل از برنامه‌ریزی‌های توسعه در این منطقه، به ابعاد توسعه فرهنگی مردم پرداخته شود تا پذیرای تغییرات اجتماعی بعدی گردند؛

۲- در جامعه و منطقه‌ای که پرداخت دیه مقتول با مشارکت کل طایفه تأمین می‌گردد، راه برای انتقامجویی‌ها و پرخاشگریها نمی‌تواند بسته باشد. لذا بجز تغییرات اجتماعی ضروری، باید قوانین شدیدتری در منطقه اعمال گردد، تا به‌جای تکیه بر عرفهای محلی به قانون پناه برده و به آن احترام گذارند؛

۳- تقویت وسایل ارتباط جمعی، که بتواند به‌صورت بنیادی در آنان نفوذ نماید، در صورتی که در حال حاضر صدا و تصویر سیما به زحمت به لردگان می‌رسد؛

۴- کانونهای فرهنگی ضعیف و مدارس نیز اندک است، باید بر تعداد آنها افزوده شود؛

۵- خلع سلاح عمومی، بویژه در مورد روستاییان ساکن؛

۶- تفکیک دقیق اراضی و مشخص نمودن مرزهای کشاورزی موجود؛

- ۷- شدت عمل، شاید بتواند در فرهنگ منطقه مؤثر واقع شود، باید در فرهنگ آنان نفوذ کرد و تغییراتی در آن به وجود آورد؛
- ۸- به علت اینکه قاتل اصلی به سبب جمعی بودن نزاع مشخص نمی شود، تصمیم گیری رؤسای دادگاهها با مشکل روبه رو می شود و ممکن است سالها طول بکشد، لذا لازم است در این مورد تدابیر معینی صورت گیرد.

منابع و مأخذ

- ۱- بازیگر، قدرت الله. بررسی وضعیت اقتصادی - اجتماعی شهرستان خرم آباد، پایان نامه کارشناسی، (۱۳۷۲).
- ۲- ثقفی، مراد. «برخوردهای اقوام در آسیای میانه»، مجله گفت و گو، شماره ۱۵، (۱۳۷۶).
- ۳- چلبی و عبداللهی، «توصیف و تبیین جامعه شناختی نزاعهای جمعی در استان لرستان» (خلاصه تحقیق)، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۱۳۳، سال ۷۶.
- ۴- ساکی، علی محمد. تاریخ و جغرافیای لرستان، تهران، (۱۳۶۶).
- ۵- صالحی، سیدحسین. نزاعهای جمعی در چهارمحال و بختیاری، دفتر امور اجتماعی شهرکرد، (۱۳۷۱).
- ۶- صفی نژاد، جواد. حملات ایلات، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره ۶، (۱۳۵۳).
- ۷- مجتهدزاده، پرویز. «اختلافات قومی و نقش آن در سیاستهای ملی»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۳-۱۱۲.
- ۸- مطالعه اجتماعی - فرهنگی لرستان، استانداری لرستان، ج ۲ و ۳، (۱۳۷۴).
- ۹- مؤمنی اردستانی، فرج الله. تحلیلی بر درگیریهای محلی در کوهدشت لرستان، پایان نامه کارشناسی، دانشگاه اصفهان، (۱۳۷۳).